

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### سیاست‌های غرب برای سکولر سازی شخصیت اسلامی

(ترجمه)

غرب به دنبال دستیابی به هدفی است که از قدیم‌الایام یعنی از زمان حکومت قیصرها و امپراتورها آرزوی آن را در سر می‌پروراند؛ یعنی محو ارزش‌ها و اساسات اسلام و نابودی کامل و شامل آن. غرب از جنگ‌های صلیبی خود دانست که بر اسلام پیروز شده نمی‌تواند و پیروان آن هم‌چنان این هدف خود را دنبال کرده و به فکرش بودند؛ اما راهی را برای رسیدن به هدف خود که همانا محو و نابودی اسلام است، نمی‌دانستند. سپس وقتی تحولات فکری اروپا را فراگرفت و سکولاریزم ظهور و ستاره‌اش طلوع و برای تحقق هدف اجدادش گسترش یافت، هدفی که نابودی رقیب همراه با دولت‌اش را در عین زمان همراه داشت؛ برای تحقق این هدف خود، نخست از تیشه‌زدن بر پیکر امت با نشر و بذر تخم تفرقه‌اندازی یعنی فکر قومیت کار گرفت و این اقدام با عقیده جدائی دین از زندگی بعد از سقوط خلافت عثمانی وی را پس از انتظار یک‌هزار و پنجاه‌سال یاری رساند.

شیفتگی به غرب و دستاوردهای علمی، فنی و سایر دستاوردهای آن، تأثیر بسزایی در اعتقاد گروهی از فرزندان مسلمان به اهمیت پذیرش آنچه غرب برای رسیدن به آن تبنی و اتخاذ می‌کند، داشت، اما این گروه اندک و تأثیر آن حکم عدم را داشت. لذا مسلمانان هم‌چنان بر دین خود به عنوان عقیده و احکام باقی ماندند و غرب هم‌چنان برای نفوذ در اذهان و قلب‌های مسلمانان و جایگزینی اسلام با سرمایه‌داری و ساختن شخصیت‌های سکولار و سرمایه‌داری برنامه‌ریزی می‌کرد تا به این مقوله باور و اعتقاد داشته باشند: "آنچه حق قیصر است، برای قیصر بده و آنچه حق الله است برای الله."

مصدق این حدیث پیامبر صلی الله علیه که فرمودند:

«سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا، فَأَعْطَانِي ثِنْتَيْنِ وَ مَنَعَنِي وَاحِدَةً؛ سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ لَا يُهْلِكَ أُمَّتِي بِالسِّنَةِ فَأَعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يُهْلِكَ أُمَّتِي بِالغَرَقِ فَأَعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يُجْعَلَ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ فَمَنَعَنِيهَا»

*ترجمه: از پروردگار خود سه چیز خواستم، پس برایم دو چیز را بخشید و از یکی منع کرد؛ از پروردگار خود خواستم تا امتم را بوسیله خشک‌سالی و قحطی هلاک نکند و او (تعالی) آن را برایم بخشید و خواستم تا امتم را بوسیله غرق کردن هلاک نکند و او (تعالی) آن را برایم بخشید و خواستم تا درگیری و جنگ‌شان را در بین خود‌شان قرار ندهد، اما او (سبحانه و تعالی) مرا از آن منع کرد.*

دیدیم که غرب با سپردن طرح و پلان سکولر سازی امت اسلامی به کسانی که مصداق وصف رسول صلی الله علیه وسلم هستند چگونه خوب موفق شد:

«دَعَاةٌ إِلَىٰ أَبْوَابِ جَهَنَّمَ، مَن أَجَابَهُمْ إِلَيْهَا قَذَفُوهُ فِيهَا... هُمْ مِّنْ جَلْدَتِنَا، وَ يَتَكَلَّمُونَ بِالسِّتِنَاتِ» (رواه مسلم)

**ترجمه:** دعوت‌گرانی (خواهند آمد که) بسوی دروازه‌های جهنم دعوت می‌کنند، هرکس که دعوت‌شان را اجابت کند، آن را به جهنم می‌اندازند... آن دعوت‌گران از جنس و جلد خود ما بوده و به لسان و زبان خود ما صحبت می‌کنند.

این گونه دعوت‌گران سه قسم اند: سیاست‌مداران، متفکران و علماء. در این جا به بیان برخی از جزئیات این موضوع می‌پردازیم:

**سیاست‌مداران:** سیاست‌مداران چه درس‌زمین‌های اسلامی و چه در غرب، تلاش کرده اند تا طرح سکولسازي غربی را از طریق برنامه‌های آموزشی و رسانه‌های چاپی، تصویری و شنیداری که واقعیت‌ها را وارونه جلوه داده، ارزش‌ها و اساسات عقیده اسلامی و هم‌چنان احکام آن را از طریق بذر مفاهیم کفری به لباس و پوشش اسلام در اذهان و افکار مسلمانان نابود می‌کند، اجرا کنند. این سیاست‌مداران فردگرایی و خودخواهی را با استناد به این قول الله سبحانه و تعالی پیشه خود ساخته اند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ...﴾ [مائده: 105]

**ترجمه:** ای مؤمنان! مواظب خود باشید (و خویش‌تان را از معاصی و گناهان به دور دارید و هوشیار باشید که آلودگی‌های جامعه شما را نیالاید). هنگامی که شما هدایت یافتید (و راه خداشناسی را در پیش گرفتید) گمراهی گمراهان به شما زیانی نمی‌رساند. امر به معروف و نهی از منکر را با استدلال به این قول الله سبحانه و تعالی که فرموده است؛ "لا إكراه فی الدین؛ در دین اجباری نیست) ترک کردند.

حتی خود سکولاریزم را مظهر این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌دانستند:

«أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِأَمْرِ دُنْيَاكُمْ» (رواه مسلم)

**ترجمه:** خودتان به کار دنیوی خود داناترید.

این سیاست‌مداران کسی را که دانسته یا ندانسته دنباله‌روی کردند، اکرام و احترام کرده، او را به منصب‌ها رسانده و از صاحب‌نظران که به سخنان‌شان گوش داده می‌شود، از نویسندگانی که نوشته‌ی‌شان خوانده می‌شود، قرار دادند و با کسانی که از فرامین و دستاویز‌شان اطاعت نکردند، برعکس عمل کردند و وضعیت مخالفان‌شان با این قول رسول الله مصداق پیدا کرد:

﴿يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ فِيهِمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ﴾ (رواه ترمذی)

**ترجمه:** بر مردم زمانی خواهد آمد که فرد صابر و استقامت‌کننده بر دینش بسان کسی است که ذغال آتشین به دست دارد.

و این نظام‌ها و مقامات استبدادی و ظالم یعنی محاکم و اماکن تعذیب و شکنجه، بهترین شاهد بر این مسئله اند و چه بسیار نیکوکاران و دین‌دارانی هستند که ظالمان و ستمگران آن‌ها را حبس و زندانی کرده و نگذاشتند که مردم از علم‌شان بهره‌مند و خانواده‌شان در کنارشان زندگی خود را به خوشی سپری کنند!

بر علاوه آنچه گذشت؛ باید فراموش نکنیم که غرب ادیان کفری را ایجاد کرد که از بطن خود امت اسلامی نشأت کردند، چنانکه انگلیس در وقتی که هند تحت اشغال وی بود، چنین کرد و برای ما، بهائیه‌ها، احمدی‌ها و منکران سنت را نزدیک به دو قرن پیش به میان آورد.

در مبارزه علیه اسلام و شکنجه و نقض حقوق بشر، میان شرق و غرب تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا هر دو مثل هم و دو روی یک سکه اند، مگر این که غرب تلاش می‌ورزد تا شعارها و تصویر جهانی خود را حفظ کند و تعهد خود را تنها به داخل مرزهای خود محدود کند و جریان تعدیب و شکنجه را در کشورها و سرزمین‌های دیگر نادیده بگیرد. اما وحشت‌افگنی و ترساندن افراد و جنگ با آنان بر سر امرار معاش شان و سخت‌گیری بر دعوت‌گران میان غرب و شرق تفاوت بزرگی وجود ندارد.

**متفکران:** مفکران سرزمین‌های اسلامی که کورکورانه و طوطی‌وار پیرو سروران خود از لندن و پاریس و دیگر جاها هستند، در تشویه و تحریف مفاهیم اسلامی و مبارزه علیه آنچه بر قلب بهترین بشریت سیدنا محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده از وحی صحیح که هیچ ناخالصی عقلی آن را آلوده کرده نمی‌تواند تأثیر بدی داشته اند. این مفکران در صدد تحریف و تبدیل حقائق برآمدند، جهاد از معنای اصلی خود بیرون و به انجام کارهای اخلاقی و فضیلتی اطلاق شد، دعوت به یک عمل انفرادی مبدل گشت تا به طور انفرادی به دین پایبندی داشته و برای تغییر واقعیت اسفبار کار نکنند. به عبارت دیگر، به احکام وضعی امروزی قناعت کنند، جزیه به کلی با تمام معنا از میان برده شد. حکم به شریعت الله سبحانه و تعالی که یک امر واجبی و لازمی است مورد بحث و چانه‌زنی قرار گرفت؛ حتی برخی از آنان احکامی را وضع کردند که غرب کافر جرأت چنین کاری را به خود نمی‌دهد، مانند یکی از هلاک‌شدگان که افترا بست و بسیاری از حالات زنا را جایز و عورت زن را به محل عفت شان محدود کرد!

اما متفکران غرب کافر، فرصت‌ها را از دست نداده و حتی برای تحریف اسلام در منظر فرزندان شان فرصت‌ها ایجاد می‌کنند و اما آخرین بدعت و نوآوری شان چیزی است که بنام (اسلام غیر مسلمانان) مسمی کردند، یعنی آنان برای اسلام مسلمان و تسلیم شده نیستند!

**علماء:** عبدالله مبارک گوید: "آیا دین را جز پادشاهان... و علمای بد و راهبان آن فاسد می‌کنند؟"، مقوله وی واقعاً که راست است؛ چرا که علمای درباری در امنیت و حفاظت از تحریف‌کنندگان دین رب الأرباب از مشت آهنین هم تأثیر بیشتر دارند، حتی برخی از آنان در روند تحریف سهم دارند، که در نتیجه سبب شد تا برخی از احکام به حالت نابودی نزدیک شود و اکثریت این علماء؛ در مورد نبود احکام شرعی در زندگی فردی یا جمعی مسلمانان و در عدم حاکمیت شریعت در دولت سکوت اختیار کردند. دیگر اینکه؛ در برابر تقسیم سرزمین‌های اسلامی به دولت‌های متخاصم و مخالف یکدیگر و گسترش فساد با تمام انواع و اقسام آن و در برابر چیره‌شدن مجرمان فاسق و فاجر بالای ثروت‌ها و دارایی‌های امت سکوت کردند. اکثریت شان راه‌حل را در دموکراسی و دولت‌ملت دیده و خلافت را نشناخته و یا فراموش کرده اند و برخی از آنان، یهودیان و مسیحی‌های کافر را که از سرهم و برادر یکدیگر هستند، باورمند نبوده و از کسانی که الله سبحانه و تعالی دستور داده که باید برائت و بی‌زاری جویند بی‌زاری و برائت نجسته و این روال یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتد!

سکوت علماء در تبیین حق و امر به معروف و نهی از منکر، تأثیر منفی عظیمی بر پاکی و صفایی عقیده اسلامی و احکام غراء آن در اذهان و افکار داشته و سبب می‌شود تا برخی از فرزندان امت اسلامی به تعریف و تمجید دموکراسی پرداخته و مشتاق دیدار عملی دموکراسی در سرزمین‌های اسلامی شوند، آن‌هم بعد از آنکه اسلام قبله و مقیاس اعمال مسلمانان و منهج زندگی و نور بصیرت و بینایی شان بود.

پس برای صفایی و صیقل‌زدن اسلام و تبلور آن در اذهان و رسوخ و ثبات آن در دل‌ها؛ لازم و ضروری است که دولت خلافت راشد بر منہج نبوت که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را بشارت داده اند برگردد تا این مسئولیت و سایر امور از قبیل نشر اسلام و بیرون راندن بشریت از لجن‌زار نظام سرمایه‌داری سکولار به عهده گرفته و بشریت را از جهنمی که الله سبحانه و تعالی برای کافران وعده داده است نجات دهد.

از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم تا چشمان مان را در این نزدیکی به نصرتی از جانب خود روشن دارد؛ همانا او سبحانه و تعالی بر این کار توانا و خوب اجابت‌کننده‌ای است!

**برگرفته از شماره 458 جریده الرایه**

**نویسنده: استاد سید جبلی**

**مترجم: محمد مزمل**